

## کارکرد هنر در سازوکارهای عدالت انتقالی

محبوبه محمودی گلوگاهی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای حقوق بین الملل عمومی، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mahmoudi.mahboubeh@gmail.com

حسین شریفی طرازکوهی

استاد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه امام حسین (ع)، تهران، ایران.

hsharifit@yahoo.com

رضا موسی زاده

استاد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده روابط بین الملل، وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

rmousazadeh88@gmail.com

حمید قاسمی

دانشیار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

h\_ghasemi@pnu.ac.ir

**قابل انتشار در دوره ۲۵، شماره ۶۷ (پاییز ۱۴۰۵) نشریه پژوهشهای حقوقی**

### چکیده

پژوهش‌های موجود در مورد تحکیم صلح به طور عام و عدالت انتقالی به طور خاص، عمدتاً بر مذاکرات سیاسی، ترتیبات امنیتی و مداخلات توسعه متمرکز شده‌اند. ابعاد مذکور اگرچه بی‌هیچ تردیدی حائز اهمیت فراوان هستند، اما اغلب جنبه‌های عاطفی و روانی را، که اتفاقاً زیربنای بسیاری از منازعات هستند، نادیده می‌گیرند. در این بین عدالت انتقالی نیز به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که در جوامع در حال گذار از منازعه یا سرکوب به سوی صلح، دموکراسی و مصالحه انجام می‌گیرند. هدف این اقدامات رسیدگی به میراث به جای مانده از نقض حقوق بشر، بیان حقیقت، ارتقاء مسئولیت‌پذیری و تقویت التیام در میان جوامع آسیب‌دیده است. به این ترتیب پرسش اساسی این است که علاوه بر سازوکارهای حقوقی و سیاسی در وضعیت‌های انتقالی، از چه طریقی می‌توان به هدف مذکور نائل شد. مقاله‌ی حاضر در مقام پاسخ به این پرسش و ضمن بررسی بنیان‌های نظری و کاربردهای عملی، به نقش چندوجهی ابتکار عمل‌های هنری و فرهنگی در استقرار صلح پایدار در جوامع پسا منازعه خواهد پرداخت. در این بررسی پتانسیل تحول بخش هنر به عنوان عنصری محوری در تقویت همدلی و التیام روان‌زخم‌ها مورد توجه قرار خواهند گرفت.

کلمات کلیدی: هنر، تحکیم صلح، عدالت انتقالی، منازعه، مصالحه.

## مقدمه

در جهانی که اغلب به واسطه‌ی منازعه و تفرقه، دچار چالش و آسیب است، پیگیری صلح به امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. حقوق بین‌الملل با اصول و چارچوب‌های راهنمای خود، تلاش می‌کند تا حافظ روابط مسالمت‌آمیز میان ملت‌ها باشد. با این حال، ابزار و رویکردهای سنتی دیپلماسی و مذاکره، اغلب برای پرداختن به شبکه‌ی پیچیده‌ی علل زمینه‌ای، که به منازعات دامن می‌زنند، کافی نیستند. چنانچه پس از نقض‌های سیستماتیک حقوق بشر در منازعات، اغلب از سوی کنشگران، سازمان‌های محلی و نهادهای غیردولتی، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که بازتاب مناقشه‌ی دیرپای بین‌المللی، درخصوص زمان و محتوای اقدامات قانونی و فرایندهای اجتماعی، به منظور بازسازی جوامع خواهد بود. پرسش‌هایی از این قبیل که آیا تنها مسیر پیش رو، دخالت سازوکارهای عدالت قانونی است یا تنها یکی از مؤلفه‌های متعدد ایجاد صلح و تحکیم آن، به شمار می‌رود. به هر حال، با وجود اتفاق نظر نسبی در مورد زمان و محتوای اقدامات قانونی یا سازوکارهای عدالت انتقالی، در مورد چستی اجزاء متشکله و چگونگی اجرای آن‌ها، اختلاف نظر وجود دارد.

در این میان اگرچه که حقوق بین‌الملل در راستای رسالت خود مبنی بر تنظیم هنجارها، اصول و قواعد هدایت‌کننده‌ی رفتار کشورها و سایر بازیگران بین‌المللی، چارچوب‌هایی را برای سازوکارهای عدالت انتقالی فراهم نموده، با این حال به منظور فائق آمدن بر چالش‌های فراروی جوامع انسانی در قرن ۲۱، شایسته است فراتر از این چارچوب‌ها، همکاری‌های خلاقانه‌ای در میان اعضاء جامعه‌ی بین‌المللی صورت بگیرند؛ چالش‌هایی مانند میراث خشونت‌های گذشته، نابرابری، اقتدارگرایی در حال افزایش، ملی‌گرایی افراطی، قطب‌بندی در درون جامعه، بیگانه‌هراسی فزاینده، نژادگرایی و تبعیض جنسیتی.

بر این اساس، امروزه به منظور افزایش اثربخشی اقدامات و تدابیر عدالت انتقالی، بازاندیشی در قالب‌بندی و چارچوب‌های آن پیشنهاد می‌شود، به نحوی که در مناطق مختلف و مطابق با شرایط فرهنگی و تاریخی متنوع هر منطقه، سازوکارهای عدالت انتقالی به شکلی انعطاف‌پذیر اعمال و اجرا شوند. رویکردهای سنتی تحکیم صلح اغلب بر مدیریت و حل‌وفصل منازعات متمرکز هستند، اما در سال‌های اخیر، اتخاذ رویکردهایی در دستور کار صلح‌سازان قرار گرفته که فراتر از حل منازعات، تغییر اساسی در ساختارها، روابط و نگرش‌های موجد خشونت را مدنظر قرار می‌دهند؛ تمهیداتی که از آن به تحول منازعه تعبیر می‌شود.

به بیان دیگر، تحول منازعه به تغییر در نیروهای محرکه و عوامل اساسی آن دلالت داشته و مستلزم تغییر تمرکز از مدیریت منازعه به بیان یا پرداختن به جنبه‌های ساختاری، اجتماعی و فرهنگی منازعات است. به منظور تحقق تحولات و تغییرات مذکور، انتظار می‌رود در درجه‌ی اول و پیش از محیط بیرونی، در درون آحاد جامعه تغییراتی ایجاد شود. در این هنگام پرسش اساسی، چستی یا چگونگی ابتکار عمل‌هایی است که بتوانند به روند تحولات فردی و اجتماعی پسا منازعه یاری رسانند. بنابراین شایسته است بررسی شود که آیا هنر می‌تواند به کمک انسان بیاید تا در درجه‌ی اول، ظرفیت تغییر درونی و پس از آن، تغییر بیرونی او را همگام با تغییر شرایط، در راستای هدف تحکیم صلح، به فعل برساند یا خیر. این تغییر درونی و بیرونی به التیام و مصالحه در سطوح فردی و اجتماعی دلالت دارند. پژوهش پیش رو در مقام پاسخ به پرسش مذکور، به نقش ابتکار عمل‌های هنری و فرهنگی در ایجاد تغییر در نیروهای محرکه‌ی منازعات در سطوح فردی و اجتماعی و به تعبیری دیگر به پتانسیل ظرفیت‌سازی این ابتکار عمل‌ها در فرآیند التیام و مصالحه می‌پردازد.

نوشتار حاضر به کمک رویکردی ترکیبی و چندوجهی، متشکل از بررسی ادبیات، مطالعات موردی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، در صدد بررسی تأثیری است که هنرها می‌توانند بر فرآیندهای عدالت انتقالی داشته باشند. به همین ترتیب، فرضیه‌ی نگارندگان مقاله این است که هنر با فراهم کردن بستری برای بیان حقایق و التیام روان‌زخم‌ها به افراد فرصتی می‌بخشد تا ضمن ایجاد تغییر در درون خود، در مسیر تحول پیش‌رانه‌ها یا شرایط منتج به منازعه

گام بردارند. علاوه بر این، هنر قادر است با تقویت همدلی و ترویج چندصدایی در جوامع متأثر از منازعات، به روند تحول در شرایط اجتماعی یا فرآیند انتقال در تلاش‌های تحکیم صلح، یاری رسانده و مسیر مصالحه را هموار نماید. ناگفته نماند علی‌رغم تفکیک دو منظر یا دو بستر برای تغییرات فردی و اجتماعی لازم در وضعیت‌های انتقالی، که به ترتیب تحت عناوین اصلی «التیام» و «مصالحه» برشمرده شده‌اند، چنان‌چه در متن هم اشاره شده، در برخی موارد شاهد تداخل یا شناوری مباحث خواهیم بود که البته تلاش شده حتی‌المقدور به نفع رسایی متن و سهولت انتقال مطلب، از تداخل لفظی و معنوی اجتناب شود.

### پیشینه پژوهش:

در میان منابع مختلف انگلیسی، اعم از کتاب و مقاله، که به نقش هنر در تحکیم صلح به طور کلی و عدالت انتقالی به طور خاص پرداخته‌اند، در اغلب موارد، بیشترین تأکید و تمرکز بر هنر تئاتر صورت گرفته است و بر همین اساس در پژوهش حاضر نیز از میان هنرها توجه اصلی معطوف بر هنر تئاتر خواهد بود. لازم به ذکر است در میان منابع فارسی، کتاب یا مقاله‌ای که متضمن رابطه‌ی هنر و تحکیم صلح یا عدالت انتقالی باشد، قابل ذکر نبود، مگر این‌که در بخش‌هایی از آن‌ها اشاراتی (ولو مختصر و غیرمستقیم) به این ارتباط رفته باشد. از جمله کتاب «هنر چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند»<sup>۱</sup> که به تناسب بحث، در متن پژوهش از آن استفاده شده است. این کتاب که توسط «آلن دوباتن»<sup>۱</sup> و «جان آرمسترانگ»<sup>۲</sup> به نگارش درآمده، در سال ۱۳۹۵ با ترجمه‌ی «گلی امامی» و زیر نظر مؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، روانه‌ی بازار نشر شد. در این کتاب هنرها به طور اعم، وسیله‌ای درمانی برای تسکین آلام بشری معرفی شده‌اند که می‌توانند به عنوان راهنما، مقدمات زندگی بهتری را برای بشر فراهم آورند.

و اما در منابع انگلیسی، در کتاب «هنرهای عدالت انتقالی»<sup>۳</sup> به نقش هنر در جنبه‌های مختلف عدالت انتقالی و در پاسخ به جنایات خشونت‌آمیز، سوءاستفاده از قدرت و التیام روان‌زخم‌ها و آسیب‌های ناشی از آن‌ها پرداخته شده است. این کتاب در سال ۲۰۱۴ با عنوان فرعی «فرهنگ، کنشگری، و خاطره‌ی قساوت»<sup>۴</sup> به بررسی رابطه‌ی عدالت انتقالی و هنر پرداخت. انتظار می‌رود خوانندگان بعد از مطالعه‌ی فصول کتاب، به درکی از استلزامات و دلالت‌های عدالت انتقالی در موقعیت‌های مختلف در کشورهایی نظیر افغانستان، صربستان، رواندا، ایرلند شمالی، کامبوج و همچنین در جوامع دیاسپورا<sup>۵</sup> (اقلیت‌های قومی و مذهبی دور از وطن اصلی) نائل شوند.

کتاب «تحکیم صلح و هنرها»<sup>۶</sup> به عنوان یکی از ۶۹ اثر در مجموعه کتاب‌های «بازاندیشی در مطالعات صلح و منازعه»<sup>۷</sup>، مجموعه‌ای است مشتمل بر مقالات بیش از ۲۰ نویسنده، که در سال ۲۰۱۹ با ویراستاری «جولیون میچل»<sup>۸</sup> و همکارانش به چاپ رسید. در این مجموعه، نویسندگان مقالات، زمینه‌ها و راه‌های جدیدی را برای تحلیل این‌که چگونه اشکال مختلف هنری می‌توانند به فرایندهای تحکیم صلح کمک کنند، ارائه کرده‌اند. کتاب در ۵ بخش (هنرهای تجسمی، موسیقی، ادبیات، فیلم و تئاتر/ رقص) و بیان مطالعات موردی از سرتاسر جهان، درباره‌ی هریک از این هنرهای پنج‌گانه به انعکاس نظرات انتقادی در مورد چگونگی دخالت هنرها در روند تحکیم صلح نیز پرداخته است.

<sup>1</sup> - Alain de Botton

<sup>2</sup> - John Armstrong

<sup>3</sup> - The Arts of Transitional Justice

<sup>4</sup> - Culture, Activism, and Memory after Atrocity

<sup>5</sup> - Diaspora

<sup>6</sup> - Peacebuilding and the Arts

<sup>7</sup> - Rethinking Peace and Conflict Studies

<sup>8</sup> - Jolyon Michell

در سال ۲۰۱۸ در کتاب «تئاتر برای تحکیم صلح»<sup>۹</sup> به شرح چگونگی مشارکت هنرها به نحو عام و هنر تئاتر به نحو خاص در فعالیتهای محلی تحکیم صلح پرداخته است. نویسنده‌ی کتاب قائل است که هنر تئاتر به سبب ماهیت چندصدایی و مکالمه‌محور خود، با فراهم‌آوردن امکان گفت‌وگو (به عنوان بخشی مهم در فرایندهای تحکیم صلح) به یاری جوامع درگیر در منازعه می‌شتابد. این کتاب مشتمل بر پیوندهای مفهومی میان تئاتر و تحکیم صلح است و حوزه‌ی موضوعی آن منحصر به نقش هنر در تحول منازعه در آسیای جنوبی است.

## ۱) التیام

در پی منازعات و ناآرامی‌های اجتماعی، اغلب جوامع با چالش‌های قابل توجهی در بازسازی و بهبود مواجه خواهند بود. در چنین وضعیتی ممکن است روش‌های سنتی، به‌تنهایی در رسیدگی به زخم‌های عاطفی و روانی به جای مانده، کفایت و صلاحیت لازم را نداشته باشند. به این ترتیب بهتر است بررسی شود که امکان بهبود و بازسازی روابط، احیا و اصلاح هویت فرد و در نتیجه تغییر از قربانی به نجات‌یافته و از خشونت به صلح به چه شیوه‌ای ممکن است. در این بین شیوه‌های هنری، محیطی امن و عاری از قضاوت را در اختیار افراد قرار می‌دهند تا در آن بتوانند به بیان رنج‌های خود پرداخته و روند بهبودی را آغاز کنند. یکی از راه‌هایی که هنر به واسطه‌ی آن در روند ایجاد التیام یاری می‌رساند، اجازه دادن به افراد برای بازپس‌گیری روایت‌هایشان است. در موقعیت‌های منازعه یا ظلم و سرکوب، روایات مردم اغلب خاموش یا تحریف می‌شوند. شیوه‌های هنری افراد را قادر می‌سازند تا عاملیت خود را بازیافته و مطابق با میل و خواسته‌ی خود، آن‌چه بر آن‌ها گذشته را به اشتراک بگذارند.<sup>۱۰</sup> چنان‌چه در ادامه خواهیم دید، درگیر شدن در بیان خلاقانه‌ی حقیقت می‌تواند تجربه‌ای درمانی باشد که به افراد اجازه می‌دهد تا با آسیب، غم و اندوه یا خشم خود کنار آمده و درد خود را به عنصری ملموس و قابل مشاهده برای سایرین تبدیل نمایند.

## ۱-۱) بیان حقیقت

بیان تجربیات، خاطرات و تروماها می‌تواند فرصتی را برای شنیده شدن فراهم آورده و تضمین دهد که به واسطه‌ی ثبت و مستندنگاری تاریخی وقایع، حقیقت هرگز به فراموشی سپرده نخواهد شد. در این بین رسانه‌ها یا واسطه‌های هنری به عنوان ابزاری برای بیان و افشای حقیقت می‌توانند نقش قابل توجهی را در تلاش‌های عدالت انتقالی و تحکیم صلح ایفا نموده و به حافظه‌ی جمعی کمک کنند.<sup>۱۱</sup> به طور مثال، در مواجهه با گذشته‌ی اندوهبار آکنده از خشونت و نسل‌زدایی، «موزه‌ی خاطره»<sup>۱۲</sup> در مرکز اسناد مؤسسه‌ی «اسلوک ریث»<sup>۱۳</sup> کامبوج، نقش هنر و میراث فرهنگی در مصالحه و التیام به رسمیت شناخته شده و دست‌اندرکاران و هنرمندان این موزه، دیدگاه‌های خود را در

<sup>۹</sup> - Theatre for Peacebuilding

<sup>۱۰</sup> - See: John Paul Lederach (2010). *The Moral Imagination: The Art and Soul of Building Peace*. (UK: Oxford University Press, 2010), 144-147.

<sup>۱۱</sup> - Cynthia E. Cohen. "Arts and Building Peace: The Basics and Envisioning the Future". *United States Institute of Peace (USIP), Summer 2015 Insights Newsletter: Arts and Peacebuilding*. 8.

<sup>۱۲</sup> - Museum of Memory

<sup>۱۳</sup> - مؤسسه‌ی «اسلوک ریث» (Sleuk Rith) در شهر «پنوم پن» (Phnom - Penh) پایتخت کامبوج شامل موزه، مرکز پژوهشی، مرکز تحصیلات تکمیلی، آرشیو اسناد و کتابخانه‌ای پژوهشی می‌شود. «یوک چانگ» (Youck Chhang) فعال حقوق بشر و محقق جنایات «خمرهای سرخ» در سال ۲۰۱۴ این مؤسسه را با هدف تمرکز بر بازتاب و تأمل در گذشته، التیام و مصالحه تأسیس نمود تا به عنوان مرکزی آموزشی و پژوهشی، با یادآوری زندگی گذشته‌ی مردم، برای ساختن آینده‌ای بهتر روشنگری کند.

(<http://sri.dccam.org>, Retrieved 20 October 2023.)

مورد مصالحه با مردم کامبوج در میان می‌گذارند. نمایشگاه‌ها و پرفورمنس<sup>۱۴</sup>هایی که مستقیماً به آسیب‌ها و روان‌زخم‌های به جا مانده از رژیم «خمرهای سرخ»<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۹ - ۱۹۷۵) می‌پردازند، ابزاری قدرتمند برای گردهم‌آوردن بازماندگان جنایات وحشیانه‌ی خمرها و حفظ خاطرات مربوط به آن‌ها محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۱۴ نمایشگاهی تحت عنوان «انتقال اجباری: دومین تخلیه‌ی اجباری مردم در دوران خمرهای سرخ»<sup>۱۶</sup> در این موزه برپا شد که نقش حفاظت فرهنگی را در این دوره به نمایش می‌گذاشت. این نمایشگاه به صورت سیار در شهرهای زیادی از کشور کامبوج برگزار گردید تا در پایان دادن به سکوت طولانی، تشویق به گفت‌وگو، حفظ خاطرات و ترویج مصالحه یاری‌رسان باشد.<sup>۱۷</sup>

به همین ترتیب کمیسیون‌های حقیقت نیز به عنوان سازوکارهایی برای حقیقت‌یابی و ردیابی قربانیان شناخته شده‌اند. به عبارت دیگر، کمیسیون‌های حقیقت، به منظور کمک به التیام قربانیان و خانواده‌های آن‌ها، موظف به کشف حقایق پنهان در مورد نقض حقوق بشر در گذشته هستند. مجرمان یا مرتکبان پیشین نیز می‌توانند در ازای ارائه‌ی اطلاعات، درخواست عفو کنند. به این ترتیب، اطمینان حاصل می‌شود که اطلاعات مربوط به جنایات رژیم‌های سابق، پنهان نخواهد ماند. کمیسیون حقیقت و مصالحه‌ی آفریقای جنوبی، از شناخته شده‌ترین کمیسیون‌هایی است که در آن بیان حقیقت به عنوان مهم‌ترین بخش کار کمیسیون، معرفی شده است. در زمان تشکیل این کمیسیون، بسیاری معتقد بودند که صرف بیان حقیقت، به خودی خود، کار مصالحه را انجام می‌دهد، زیرا به بهبود روابط افراد در سطح فردی کمک می‌کند. با توجه به نظر بسیاری از نویسندگان، هدف از مؤلفه‌ی بیان حقیقت، نه صرفاً بهبود روابط، که آگاه‌شدن از بخش‌های پنهان در گذشته‌ی جامعه است.<sup>۱۸</sup>

در بحث عدالت انتقالی، ۴ رکن به عنوان ارکان اصلی مطرح می‌شوند: عدالت (به معنای عدالت کیفری و رویه‌های محاکمی مانند دادگاه رواندا)، حقیقت (که به کمیسیون‌های حقیقت و مصالحه مانند کمیسیون آفریقای جنوبی اشاره دارد)، غرامت (که شامل غرامت مالی، نمادین و یا سایر اقدامات برای ترمیم آسیب وارد شده به قربانیان می‌شود، مانند پرداخت کمک هزینه‌ی تحصیلی به بازماندگان)، و در نهایت، تضمین عدم تکرار (از جمله از طریق اصلاحات نهادی یا اصلاح سیستم قضایی)<sup>۱۹</sup>. سازوکارهای عدالت انتقالی به عنوان ابزار تحکیم صلح، به دلیل بهره‌مندی از ظرفیت بینارشته‌ای و گستردگی می‌توانند بستر مناسبی برای ابتکار عمل‌های هنری و فرهنگی و چگونگی نقش‌آفرینی این ابتکار عمل‌ها در حوزه‌ی تحکیم صلح باشند.

در این بین، مطالعات مربوط به حوزه‌ی تئاتر، با ملاحظه‌ی دومین رکن یعنی بیان حقیقت و به واسطه‌ی ارائه‌ی دیدگاه‌هایی مختص به زمینه و بستر درباره‌ی خشونت، تروما، پالایش روان و مصالحه می‌توانند بیشترین سهم را در زمینه‌ی

<sup>۱۴</sup> - پرفورمنس یا Performance یک شکل هنری است که اغلب از ترکیب عناصری مانند تئاتر، موسیقی و هنرهای تجسمی به اجرا در می‌آید. این هنر در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی از هنرهای تجسمی پدید آمد، اما بیشتر به هنرهای نمایشی نزدیک است. پرفورمنس می‌تواند از پیش نوشته شده یا فی‌البداهه، تصادفی یا کاملاً هماهنگ شده باشد و به صورت زنده یا از طریق رسانه به نمایش درآید. هنر پرفورمنس شامل هر موقعیتی است که دارای چهار عنصر پایه‌ای (زمان، مکان، بدن اجراکننده یا حضور رسانه‌ای آن و رابطه‌ی میان اجراکننده و بیننده یا مخاطب) باشد.

(<https://www.theartstory.org/movement/performance-art/>)

<sup>۱۵</sup> - «خمرهای سرخ» یا Khmer Rouge نام گروهی با تفکرات و ایدئولوژی مائوئیستی بود که از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ بر کشور کامبوج حکومت می‌کرد. این حکومت برآمده از حزب کمونیست کامبوج در طول سال‌های زمامداری به نسل‌زدایی و قتل عام ۱,۷۰۰,۰۰۰ نفر از جمعیت کامبوج (حدود ۲۱ درصد کل جمعیت کامبوج) مبادرت نمود و نهایتاً با حمله‌ی ارتش ویتنام سقوط کرد.

(“Khmer Rouge”. Encyclopedia.com. Archived from the original on 26 March 2023. Retrieved 17 January 2023.)

<sup>۱۶</sup> - The Forced Transfer : the second Evacuation of people During the Khmer Rouge Regime

<sup>۱۷</sup> - Cohen, C. E. (2015). *op.cit.*, 8-9.

<sup>۱۸</sup> - Kjell-Ake Nordquist. *The Crossroads of Human Rights and Peace-Building, An Ongoing Debate*. Research Program on Human Rights and Peace-Building. (Sweden: Stockholm School of Theology, 2008), 35.

<sup>۱۹</sup> - Sherin Shefik. “Reimagining Transitional Justice through Participatory Art”. *International Journal of Transitional Justice*, Vol. 12: N. 2 (2018): 316.

عدالت انتقالی داشته باشند.<sup>۲۰</sup> به نظر می‌رسد که منطق درمان و التیام فردی از طریق بیان روایت یا حقیقت، مبتنی بر درکی غربی و مناقشه‌برانگیز، از نحوه‌ی برخورد با تروما و اختلال استرس پس از سانحه باشد.

چنانچه بیان شده که بیان روایت‌های تروماتیک و شنیده‌شدن این روایات خاصیت التیام‌بخش دارد، زیرا پذیرش، تأیید و تصدیق تحمل رنج از سوی سایرین، می‌تواند برای آن‌ها نوعی از رهایی روان را به ارمغان آورد. علاوه بر این، برخی قائلند که هر تلاش معتبری در راستای ایجاد التیام و مصالحه، حتی اگر تماس و تعاملی را در آینده در پی نداشته باشد، تصدیق و به رسمیت شناختن انسانیت مرتکبین را نیز در بر خواهد داشت.<sup>۲۱</sup>

در این میان، پژوهشگران بر پتانسیل تئاتر برای گشودن فضایی درمانی تأکید می‌کنند، چرا که در آن، قربانیان و بازماندگان، با تمرکز بر تروماهای عمیق احساسی و عاطفی خود، و بدون اشاره به جنبه‌های اجتماعی-سیاسی یا واقعی (که در حال حاضر در کمیسیون‌های حقیقت رایج است)، قادر به بیان روایت خود خواهند بود. در این هنگام، با مد نظر قرارگرفتن التیام ملت، چه فردی و چه جمعی، تکنیک‌های مورد استفاده در تئاتر، به عنوان بخشی از فرایند التیام و مصالحه، فضایی را ایجاد خواهند نمود تا به نحو پویا و سازنده، در مورد تروما شهادت داده شود. به طور مثال، در برخی از تولیدات تئاتری تلاش می‌شود تا با تمهیداتی خاص، مخاطبان و بازیگران، در موقعیتی برابر قرار بگیرند و به این ترتیب، روابط میان افراد در تئاتر و حتی خارج از صحنه‌ی تئاتر، مجدداً تنظیم شده و بهبود یابد. تکنیک‌ها و تمهیدات مذکور، می‌توانند ضمن تأکید بر اهمیت لایه‌های پنهان و رازآلود روایت‌های افراد آسیب‌دیده، موجب آشکارشدن بیشتر آن‌ها شوند.<sup>۲۲</sup>

به همین ترتیب، هنرهای تجسمی مانند نقاشی، مجسمه یا چیدمان‌ها در فضاهای عمومی قادرند بستری را فراهم کنند تا روایت بازماندگان به صورت بصری منتقل شده و در نتیجه اطمینان حاصل شود که روایت‌های مذکور برای نسل‌های آینده حفظ خواهند شد. نقاشی‌های دیواری با مضامین اجتماعی نیز، فضاهایی را برای بیان حقیقت فراهم نموده و به افراد اجازه می‌دهند تا پس از کنارآمدن با تجربیات رنج‌آور، آن‌ها را به روایت‌های مشترکی از انعطاف‌پذیری و امید به آینده تبدیل کنند.<sup>۲۳</sup>

به طور مثال، پروژه‌ی «دیوارهای امید»<sup>۲۴</sup> در استودیویی باز در موزه‌ی «پرکوئین»<sup>۲۵</sup> السالوادور، با هدایت هنرمند و فعال حقوق بشر آرژانتینی «کلودیا برناردی»<sup>۲۶</sup> و با مشارکت ۳۰ تن از زنان بومی گواتمالایی به عنوان بازماندگان خشونت جنسی در نازعه‌ی مسلحانه‌ی دهه‌ی ۸۰ میلادی به انجام رسید. این پروژه از هنر به عنوان ابزاری برای گردآوری و حفظ تاریخ شخصی و نیز حافظه‌ی تاریخی جوامعی استفاده نمود که به واسطه‌ی نقض‌های حقوق بشر و خشونت تحت حمایت دولت متحمل رنج شده بودند. زنانی که در این پروژه‌ی هنری مشارکت داشتند قصه‌ها و رنج‌های شخصی خود را به صورت نقاشی دیواری بیان نمودند که راهی شد برای پرداختن به زخم‌های احساسی دوران نازعه و شهادی بر انعطاف‌پذیری آن‌ها.<sup>۲۷</sup>

با این فرض، مطالعات تئاتر از پتانسیل بالایی برای مشارکت در توسعه‌ی مفهوم التیام برخوردار خواهند بود. در این راستا، بدون پرداختن به نمایشنامه یا پرفورمنسی خاص، چند اصل به عنوان اصل زیربنایی پروژه‌های تئاتری استخراج شده‌اند که با وضعیت‌های تروماتیک و خشونت‌های فردی و جمعی در وضعیت‌های پس از نازعه و استبداد سروکار دارند. به همین منظور،

<sup>20</sup> - Tine Destrooper. "Performative Justice? The Role of Theatre and Performance in Facilitating Transitional Justice". *South African Theatre Journal*, Vol. 32: N. 3 (2019): 199.

<sup>21</sup> - Laurel G. Borisenko. *Arts-Based Peacebuilding: Function of Theatre in Uganda, Kenya, and Zimbabwe*. (Nederland: University of Amsterdam, 2016), 21-22.

<sup>22</sup> - Destrooper, T. (2019). *op.cit.*, 207.

<sup>23</sup> - Cynthia E. Cohen. (2015). *op. cit.*, 11.

<sup>24</sup> - Walls of Hope

<sup>25</sup> - Perquin

<sup>26</sup> - Claudia Bernardi

<sup>27</sup> - See: Claudia Bernardi. "The Disappeared Are Appearing: Murals that Recover Communal Memory". *International Journal of Transitional Justice*. Vol. 14: N. 1 (2019): 193-196.

اغلب به آن دسته از پروژه‌ها و پژوهش‌های مربوط به تولیدات تئاتری توجه می‌شود که از الگوهای رهایی‌بخش یا التیام‌دهنده برای مقابله با تروما در جوامع آسیب‌دیده استفاده می‌کنند. تئاتر و تولیدات تئاتری نیز از آن جهت حائز اهمیت هستند که می‌توانند دیدگاه‌های جدیدی را در مورد فرایند کار با قربانیان و گروه‌های قربانی، ارائه نموده و ضمناً فراتر از آن چه که امروزه در کمیسیون‌های حقیقت‌رایج است، به شیوه‌های نوین روایت و شهادت بپردازند.<sup>۲۸</sup>

مجموعه بررسی‌های صورت‌گرفته در مورد رابطه‌ی سازنده‌ی متقابل میان مطالعات تئاتر از یک سو، و مطالعات تروما و حافظه از سوی دیگر، در اوایل و اواسط دهه‌ی ۱۹۹۰، پژوهشگران را بر آن داشت تا اعلام نمایند که مطالعات حوزه‌ی تروما، بیش از هر رشته‌ی دیگری، مفهوم شهادت‌دادن را در مطالعات تئاتر بنیان نهاده‌اند. بر اساس ایده‌ای که در روان‌درمانی ریشه دارد، روایت‌کردن یا شهادت‌دادن شخص آسیب‌دیده می‌تواند منجر به تسکین و رهایی او از گذشته‌ی تروماتیک شود. در این میان، کمیسیون‌های حقیقت می‌توانند به عنوان ابزاری مفید برای رسیدن به روان‌پالایی و کنار آمدن با احساسات دردناک و طاقت‌فرسای مربوط به گذشته، به یاری افراد و جوامع بشتابند. کمیسیون حقیقت و مصالحه آفریقایی جنوبی مثال خوبی برای تکاپوی مصالحه‌ی ملی پس از خشونت سیاسی بلندمدت است. هدف این کمیسیون، فراهم‌آوردن جایگاهی برای قربانیان بود تا به این واسطه شنیده شده و شانس رویارویی با مرتکبانی را داشته باشند که به دنبال فرصتی برای اعتراف به اعمال خود و تقاضای بخشش هستند.<sup>۲۹</sup>

در دهه‌های اخیر، مطالعات و پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تری درباره‌ی رابطه‌ی هنر و تروما صورت‌گرفته و سازوکارهای پیشنهادی هنرهایی مانند تئاتر می‌توانند دیدگاه‌ها و مکانیسم‌های جدیدی را برای مقابله با تروما، در سایر شاخه‌های مطالعاتی از جمله عدالت انتقالی مورد توجه قرار دهند. بر همین اساس، امروزه از پژوهشگران تئاتر دعوت می‌شود تا به طور عام در حوزه‌ی عدالت انتقالی و به طور خاص در کار کمیسیون‌ها ورود پیدا کنند. به منظور مطالعه‌ی رابطه‌ی میان تئاتر و عدالت انتقالی، در برخی از پژوهش‌ها، به تئاتر به عنوان نمایشی از تجربیات تروماتیک فردی و جمعی، و یا بازتابی از این تجربیات توجه می‌شود. مطالعات تئاتر در تقاطع انسان‌شناسی، تئاتر و هنرهای تجسمی، به عنوان حوزه‌ی مطالعاتی بینارشته‌ای، و متأثر از مطالعات مربوط به تروما و حافظه، بر ماهیت ترمیمی و تکرارپذیر تئاتر متمرکز می‌شوند.<sup>۳۰</sup> در این بین تعامل بیشتر میان پژوهشگران و دست‌اندرکاران حوزه‌ی تئاتر و عدالت انتقالی می‌تواند مقاومت مشهود در بیان خلاقانه‌ی تجربیات تروماتیک را از میان برداشته و روند بهبود تروما را تسریع بخشد.

## ۲-۱) بهبود تروما

بهبودی و التیام «تروما»<sup>۳۱</sup> یا «روان‌زخم» به فرایندی اشاره دارد که در آن به درمان و بهبود زخم‌های روانی و عاطفی ناشی از تجربه‌ی خشونت و منازعه پرداخته می‌شود. در طی چنین فرآیندی به کمک ابزارهای درمانی تلاش می‌شود تا ضمن فراهم‌کردن فضایی ایمن، قدرت انعطاف‌پذیری افزایش یافته و سلامت روانی متأثرین از خشونت و منازعه تضمین گردد. بعد از تجربه‌ی خشونت فردی یا جمعی، لازم است اثرات روان‌زخم‌ها التیام پیدا کنند. تروما یا روان‌زخم به عنوان تجربه‌ای عمیقاً ناراحت‌کننده تعریف می‌شود که اثرات مضر طولانی‌مدتی بر عملکرد یا سلامتی انسان دارد و شوکی عاطفی است که به دنبال حادثه یا صدمه‌ای پرتنش و استرس‌زا ایجاد می‌شود.<sup>۳۲</sup> بخشی از اثربخشی هنر برای التیام تروما، در توانایی آن برای

<sup>28</sup> - Destrooper, T. (2019). *op.cit.*, 200.

<sup>29</sup> - *Ibid.*, 202.

<sup>30</sup> - *Ibid.*, 199-200.

<sup>31</sup> - Trauma

<sup>32</sup> - Borisenko. L. G., (2016). *op.cit.*, 19-21.

دورزدن موانع زبانی و فرهنگی از طریق برقراری ارتباط با تجربیات انسانی در سطوح نمادین و استعاری است.<sup>۳۳</sup> این ویژگی موجب شده که درمان‌های هنری، در بسترهای فرهنگی متفاوت و به‌ویژه در مورد گروه‌های متأثر از خشونت، از جمله کودک‌سربازان و پناهندگان، مفید و اثربخش باشند.<sup>۳۴</sup>

با توجه به مطالعات مربوط به تئاتر و اثرات هنرهای نمایشی در التیام‌بخشی تروماها، به طور کلی دو رویکرد غالب را می‌توان برای رسیدن به التیام برشمرد؛ رویکرد استعاری و رویکرد مبتنی بر شرایط واقعی جوامع متأثر از منازعه.

رویکرد اول یا همان رویکرد استعاری و نمادین، قائل به دخالت‌داشتن احساسات در درک و دریافت‌های بشری است. رویکرد دیگر مبتنی بر تحلیل‌های سیاسی و جامعه‌شناختی است که به نحوی بی‌طرف و بدون تعصب، به واقعیت‌های مربوط به موفقیت یا شکست در التیام می‌پردازند. از آنجایی که کمیسیون‌های حقیقت، بیشتر با قانون مرتبط هستند تا با دین یا متافیزیک، رویکرد اول به نحو محدودتری مورد شناسایی قرار گرفته است.<sup>۳۵</sup>

پژوهشگر تئاتر «سونیا کوفتینک»<sup>۳۶</sup> بیان می‌کند که تئاتر از طریق مفاهیم استعاری، شیوه‌ای را برای سروکارداشتن مؤثرتر با وقایع و رخدادهای گذشته فراهم آورده و از تکرار تروما یا روان‌زخم جلوگیری می‌کند. چنانچه در «تئاتر کاربردی»<sup>۳۷</sup> مخاطبان و بازیگران و در برخی موارد جوامعی گسترده‌تر مشارکت دارند و به خاطر منعطف بودن مرز میان مخاطبان و اجراکنندگان، قبل از اجرا، در طول اجرا و پس از آن، مخاطبان می‌توانند مشارکت داشته و از طریق پرفورمنس یا نمایش در عرصه‌ای گسترده‌تر مداخله نمایند. تئاتر کاربردی به عنوان شبکه‌ای از اجراها و پرفورمنس‌ها تعریف می‌شود که خارج از جریان اصلی تئاتر و در محیطی غیر مرسوم و یا در درون جوامع اقلیت به اجرا درمی‌آیند. تفاوت‌ها ممکن است در فضا یا محل اجرا باشد، یا در مشارکت‌کنندگانی که بازیگر حرفه‌ای تئاتر نیستند و یا در مخاطبان، یعنی کسانی که علاقه و ربط خاصی به مسائل مطرح‌شده در نمایش تئاتری دارند.<sup>۳۸</sup> «تئاتر انجمن»<sup>۳۹</sup> آگوستو بوآل نیز فضایی را برای تأمل و اندیشیدن ایجاد می‌کند به‌گونه‌ای که افراد می‌توانند مسائل و مشکلاتشان را بررسی کرده و به مشارکت‌کنندگانی فعال تبدیل شوند. بوآل آن‌ها را «تماشاگر-بازیگر»<sup>۴۰</sup> می‌نامد و به این ترتیب، تماشاگران منفعل را با تماشاگر-بازیگرانی فعال جایگزین می‌کند.<sup>۴۱</sup>

<sup>33</sup> - See: Choudhari, S. et al. "Role of Art Therapy in the Promotion of Mental Health: A Critical Review". *Cureus*, Vol. 14: N. 8 (2022): 1-4.

<sup>34</sup> - See: Paula Howie, Sangeeta Parsand, Jennie Kristel (eds.). *Using Art Therapy with Diverse Populations: Crossing Cultures and Abilities*. (UK: Jessica Kingsley Publishers, 2013), 40-42.

<sup>35</sup> - See: Lucinda Manda-Taylor. "Africa's healing wisdom: spiritual and ethical values of traditional. African healthcare practices". In: Ron Nicolson (Ed.). *Persons and community: African Ethics in a Global Culture*. (South Africa: University of KwaZulu-Natal Press, 2008), 125-127.

<sup>36</sup> - Sonia Kuflinec

<sup>37</sup> - تئاتر کاربردی یا Applied Theatre به استفاده از فرم‌های تئاتری در صحنه‌های غیرمرسوم مثل خیابان و مدارس گفته می‌شود که به بررسی موضوعاتی از علائق و نگرانی‌های جامعه مانند مقابله با نژادپرستی یا برابری جنسیتی می‌پردازد.

(Monica Prendergast and Juliana Saxton (eds.) *Applied Theatre, International Case Studies and Challenges for Practice*. (U.K: Intellect, 2009), 7.)

<sup>38</sup> - Borisenko. L. G., (2016). *op.cit.*, 23-25.

<sup>39</sup> - «تئاتر انجمن» یا Forum theatre که همچنین به عنوان «تئاتر ستمدیدگان» یا «تئاتر توسعه» هم شناخته می‌شود، فرمی از تئاتر تعاملی و مشارکتی است که در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ توسط «آگوستو بوآل» (Augusto Boal) ایجاد شد تا به مخاطبان خود کمک کند ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها را شناسایی کنند و بر آن‌ها غلبه نمایند. در خلال اجرای این نوع نمایش، مخاطبان می‌توانند به روی صحنه بروند و گزینه‌های جایگزینی را برای چگونگی بازی شخصیت‌های اصلی پیشنهاد دهند. به این ترتیب نوعی بحث و گفتگوی تئاتری درمی‌گیرد که در آن تجربیات و ایده‌ها به اشتراک گذاشته می‌شوند و همبستگی و احساس قدرت ایجاد می‌شود.

(Augusto Boal. *Theatre of the oppressed*. (U.S.A: Theatre Communications Group, 1985), 139.

<sup>40</sup> - Spect-Actor

<sup>41</sup> - *Ibid.*, 27.

«سینتیا کوهن»<sup>۴۲</sup> و نویسندگان همکارش در آنتولوژی غنی دوجلدی، درباره‌ی تحکیم صلح معاصر و «تئاتر اجتماع»<sup>۴۳</sup>، حین مطالعات موردی از سرتاسر جهان، بررسی‌هایی انجام داده‌اند که حاوی بینش‌های نظری و حکمت‌های عملی فراوانی می‌باشد. از جمله این‌که پتانسیل بالای تئاتر در التیام را به استفاده از زبان استعاره و نمادگرایی در آن مرتبط دانسته‌اند که به سهم خود، محدودیت‌ها و فرصت‌هایی را به همراه خواهد داشت.<sup>۴۴</sup>

به دلیل ماهیت تهدیدکننده یا مخاطره‌آمیز رویدادهای تروماتیک، اغلب بیان مستقیم وقایع برای بازماندگان یا مجرمان ممکن نبوده و «استعاره»<sup>۴۵</sup>، «نماد»<sup>۴۶</sup> و حتی «ضد روایت»<sup>۴۷</sup>ها در این میان، می‌توانند به کار آمده و مجتمعاً در تقاطع التیام فردی و جمعی، عمل کنند.<sup>۴۸</sup>

اذعان به این نکته ضروری است که هنر به‌تنهایی نمی‌تواند تعارضات پیچیده را حل کند یا به مسائل ریشه‌دار اجتماعی بپردازد. بنابراین لازم است به عنوان رویکردی مکمل در نظر گرفته شود که در کنار سایر ابتکار عمل‌های تحکیم صلح مانند دیپلماسی، گفت‌وگو و توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی کار می‌کنند. با این حال، نقش مؤثر آن در ایجاد التیام و بهبود اجتماعی انکارناپذیر است. در مسیر این التیام‌بخشی، ابتکار عمل‌ها و مداخلات هنری به بازیابی انسجام اجتماعی و مصالحه در جوامعی کمک خواهند نمود که به واسطه‌ی منازعات خشونت‌آمیز، مجبور به کنار آمدن با زخم‌ها و تروماهای وارد شده به آگاهی جمعی<sup>۴۹</sup> خود هستند. با این وصف، ابتکار عمل‌های هنری به عنوان ابزاری قدرتمند برای پرداختن به چالش‌های پیچیده در جوامع پسمانزعه، قادر خواهند بود پس از انسانیت‌زدائی از افراد و گروه‌ها در جریان منازعات، خصلت‌های انسانی را مجدداً به آن‌ها بازگردانند.<sup>۵۰</sup>

در طول بسیاری از منازعات اخیر و نیز بعد از آن‌ها، ابتکار عمل‌های هنری، نقشی اساسی در سخن‌گفتن بی‌پرده علیه جنگ، کمک به تقویت مصالحه میان متخاصمان، بازسازی جامعه بعد از چندپارگی و تقسیم مبتنی بر قومیت، و تشویق راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای منازعات داشته‌اند. در این میان، توجه به ظرفیت‌هایی مانند فرهنگ زمینه‌ای یا محلی می‌تواند به بازیابی هویت مشترک افراد به عنوان عامل التیام‌بخش کمک نماید.

<sup>42</sup> - Cynthia Cohen

Community Theatre – یا تئاتر اجتماع به پرفورمنسی تئاتری اشاره می‌کند که در ارتباط با جوامع ساخته می‌شود و می‌تواند به تئاتری اشاره داشته باشد که تماماً به وسیله‌ی جامعه و بدون کمک خارجی و یا بدون همکاری میان اعضاء اجتماع و هنرمندان حرفه‌ای تئاتر ساخته و اجرا شده و یا تئاتری که کاملاً به وسیله‌ی هنرمندان حرفه‌ای تئاتر ایجاد شده تا به بیان اجتماعی ویژه و مشخص بپردازد. این نوع تئاتر می‌تواند به توسعه‌ی مهارت‌ها، روح اجتماعی و حساسیت‌های هنری مشارکت‌کنندگان اعم از تولیدکنندگان و مخاطبان کمک کند.

(Eugene Van Erven. (2001). *Community Theatre: Global Perspectives*. (UK: Routledge, 2001), 2)

<sup>44</sup> - Cynthia E. Cohen, Roberto Gutierrez Varea, and Polly O. Walker (eds.) *Acting Together, II: Performance and the Creative Transformation of Conflict*. (USA: NYU Press, 2011), 171.

<sup>45</sup> - Metaphor

<sup>46</sup> - Symbol

<sup>۴۷</sup> - ضد روایت‌ها روایت‌های آشفته و بدون انسجام ساختاری، زمان یا چارچوب‌های زمانی هستند. آن‌ها به‌جای صدای منسجم تک‌گو، چندصدایی، سیالیت و عدم تعیین را نشان می‌دهند.

(Laurence J. Kirmayer. “The refugee’s predicament”. *Evolution Psychiatrique*, Vol. 67: N. 4 (2002): 739.)

<sup>48</sup> - Paul Burbridge and Geoffrey Stevenson. Peacebuilding and the Theatre Arts. In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell et al (eds.), *Rethinking Peace and Conflict studies* (Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020), 377.

<sup>۴۹</sup> - آگاهی جمعی نظامی اخلاقی و اجتماعی شامل احساسات، باورها و ارزش‌های مشترک میان افراد جامعه است که خارج از اختیار فرد و همچون نیرویی مستقل بر او تأثیر می‌گذارد.

(جواد میرشکاری [ویراستار] فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر دوازدهم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷)

<sup>50</sup> - See: Ardhana Riswarie, Irma Damajanti. “Using Art to Foster Empathy: A Literature Review”. *International Conference on Aesthetics and the Sciences of Art* (2020), 439-441.

رویکردهای هنری و فرهنگی می‌توانند تحکیم صلح را وابسته یا محدود به بستر نموده و موجب برانگیختن حساسیت‌های فرهنگی شوند. انتخاب‌های محلی در مورد چگونگی برخورد با گذشته‌ی خشونت‌آمیز در جوامع متفرق، احیاء روابط اجتماعی و تقویت مصالحه‌ی ملی غالباً بر عهده‌ی این رویکردها بوده و می‌توانند به عنوان مداخله‌ای ضروری و یا محرکی برای گفت‌وگو درباره‌ی انتخاب شیوه‌های بهتر مصالحه و ایجاد تحول اجتماعی در جوامع پسمانزعه، مورد بهره‌برداری قرار بگیرند.<sup>۵۱</sup> بر همین اساس، تحکیم صلح مؤثر در قرن ۲۱ نیازمند تعهد مثبت به اصلی سیاسی با عنوان «اصل تفویض»<sup>۵۲</sup> است که مقامات دولتی را ملزم می‌کند تنها آن دسته از وظایفی را مستقیماً انجام دهند که مبادرت به آن‌ها در سطوح محلی امکان‌پذیر نباشد.<sup>۵۳</sup>

منازعات خشونت‌بار و سوءاستفاده از حقوق بشر، اغلب سبب انسانیت‌زدایی در میان مخاصمان شده و در چنین مواردی، احساسات خوب، به نمادی از گروه خودی و احساسات بد، به نشانه‌ای از گروه‌های دشمن تعبیر می‌شوند. بسیاری از رویکردهای هنری و فرهنگی، مروج و متضمن ارزش‌های جمع‌گرایی (پلورالیسم)، احترام به حقوق بشر و تنوع فرهنگی بوده و به عنوان عامل اتحادآفرین در جامعه عمل می‌کنند. در این وضعیت، فرصت دیدار و گفت‌وگو میان طبقات مختلف اجتماعی، مذهبی، فرهنگی و قومی ایجاد شده و فضایی برای غلبه بر ترس از «دیگران» ناشناخته و فهم مشترکات، تساوی و کرامت انسانی، فراهم می‌گردد.<sup>۵۴</sup> به این ترتیب یکی از شیوه‌هایی که به واسطه‌ی آن هنرها می‌توانند به تسهیل تحکیم صلح کمک کنند، ایجاد تبادل فرهنگی و افزایش تفاهم میان فرهنگی بین گروه‌های متخاصم است.

به عبارت دیگر، ایجاد صلح پایدار تنها زمانی ممکن خواهد بود که بازیگران محلی و منابع فرهنگی به عنوان بخشی از راه‌حل پایان‌دادن به خشونت مرگبار تلقی شوند، نه به عنوان بخشی از مشکل، چرا که تحکیم صلح درباره‌ی تغییر اجتماعی- فرهنگی یا تغییر درک این بازیگران محلی از دنیای اطراف، هویت و روابط آن‌ها با سایرین است. بنابراین هنر می‌تواند به تغییر در جهان‌بینی افراد یا فراهم‌آوردن امکان تغییر کمک نموده و در مورد یک موضوع یا رابطه، چشم‌اندازی جدید ارائه نماید.<sup>۵۵</sup>

به طور مثال، در «بوروندی»<sup>۵۶</sup> که یکی از فقیرترین کشورها در جهان است، کمبود مواد غذایی، رکود اقتصادی و تروماهای ناشی از سال‌ها منازعه‌ی قومی، به گونه‌ای جوانان را آسیب‌پذیر کرده که مستعد شرکت در خشونت به‌ویژه در دوره‌های انتخابات هستند. به این ترتیب، مشارکت در شبکه‌های خشونت‌آمیز، مجالی را برای دستیابی به قدرت و پیشرفت اقتصادی فراهم آورده تا حس تعلق و هدفمندی را در جوانان حاشیه‌نشین القا نماید. بر پایه‌ی میراث فرهنگی مشترک بوروندی از جمله «طبل زنی» یا «درام»<sup>۵۷</sup> و رقص‌های سنتی، و به پشتوانه‌ی مالی برخی از نهادهای تحکیم صلح، با حضور ده‌ها هزار نفر، جشنواره‌های صلحی در سراسر این کشور برگزار می‌شود تا در فرصت ایجاد شده از برخی فرم‌های هنری مانند رقص، آواز و تئاتر با موضوع انسجام اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز، در راستای صلح و مصالحه بهره‌گرفته شود. در این شرایط،

<sup>51</sup> - See: Paul A. Gready, Simon Robins. "From Transitional to Transformative Justice". *The International Journal of Transitional Justice*, Vol. 8 (2014): 352.

<sup>52</sup> - Subsidiarity

<sup>53</sup> - Theodora Hawksley and Jolyon Mitchell. Introduction. In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell et al (eds.), Rethinking Peace and Conflict studies (Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020), 8.

<sup>54</sup> - United Nations General Assembly. Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights on her mission to Serbia and Kosovo (A/HRC/37/55) (2018): 7-8.

<sup>55</sup> - See: Roger Mac Ginty. "The Local Turn in Peace Building: a critical agenda for peace". *Third World Quarterly*, Vol: 34: N. 5 (2013): 769-773.

<sup>56</sup> - «بوروندی» (Burundi) با نام رسمی جمهوری بوروندی کشوری است در مرکز آفریقا، در منطقه‌ی دریاچه‌های بزرگ (Great lakes) و در همسایگی کشورهای اوگاندا، کنگو، رواندا و تانزانیا. ۸۵ درصد جمعیت این کشور از قوم هوتو و ۱۴ درصد از توتسی‌ها هستند و ۸۰ تا ۹۰ درصد مسیحی و بین ۲ تا ۵ درصد مسلمان. بوروندی در سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید و کشمکش‌های پاکسازی قومی و دو جنگ داخلی و نسل‌زدایی در دهه‌ی ۱۹۷۰ و مجدداً در دهه‌ی ۱۹۹۰ مانع توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی این کشور شده و آن را به یکی از فقیرترین کشورهای جهان تبدیل کرده است.

("National Profiles". The Association of Religion Data Archives (ARDA). <https://www.thearda.com>. Retrieved 10 October 2022.)

<sup>57</sup> - Drumming

استفاده از هنر، امکان ایجاد روابط را در طول خطوط تقسیم به شیوه‌ای فراهم می‌آورد که حساسیت‌های محلی و فرهنگی در مصالحه دخالت داده می‌شوند.<sup>۵۸</sup>

در کمیسیون‌های حقیقت و مصالحه نیز به صراحت ثابت شده که ادغام و یکپارچه‌سازی عناصر فرهنگی و مشارکت شهروندان در پرونده‌های پرو، تیمور شرقی و سیرالئون، سبب افزایش کارایی و اثربخشی آن‌ها شده است. در واقع، منازعات می‌توانند توسط کسانی که «پیشگامان فرهنگی» نامیده می‌شوند، متوقف شوند؛ یعنی کسانی که به خوبی به اهمیت مشهود و مرئی ساختن قربانیان و رنج آن‌ها آگاه و ملتفت هستند.<sup>۵۹</sup> به این ترتیب، در توسعه‌ی اعتماد، عدالت، جبران و ضمانت عدم بازگشت نیز، مداخلات هنری و فرهنگی به طور عمده می‌توانند با عوامل عدالت انتقالی همکاری داشته باشند.

در این بین، بسیاری از پژوهشگران از جمله گالتونگ بر جنبه‌ی ارتباطی التیام تأکید کرده و قائلند روان‌زخم فقط برای یک شخص اتفاق نمی‌افتد، بلکه بین چند نفر رخ می‌دهد. روابط احترام‌آمیز و عادلانه برای شکستن چرخه‌ی خشونت و رسیدن به مصالحه ضروری به نظر می‌رسند.<sup>۶۰</sup> لدرآچ هم معتقد است که التیام و مصالحه به عنوان فرایندی جمعی درهم تنیده شده‌اند و التیام اجتماعی به جای این‌که فرایندی باشد متشکل از مراحل و گام‌های متوالی منتهی به یک محصول نهایی، به تعمیم و گسترش فضا برای التیام مربوط می‌شود. سیستم شناختی ما نسبت به لذات بداهه و خلاقیت، اشتیاق نشان می‌دهد و لذت ناشی از تجربیات، بینش‌ها و احساسات جدید، نشان دهنده‌ی فراخوان و تقاضایی از این سیستم برای ایده‌ها و امیدهای تازه است تا به خاطر سپرده شده و در زیست ما حضور یابند.<sup>۶۱</sup> با در نظر گرفتن این درهم‌تنیدگی می‌توان گفت که به رسمیت‌شناختن کاربرد التیام‌بخش مصالحه در فرایندهای صلح، مستلزم شناسایی ساختارهای بالقوه‌ای خواهد بود که به صورت نظری بر چنین کاربردی صحنه می‌گذارند. مؤلفه‌ی ارتباطی در مصالحه شامل مهارت‌های ارتباطی مانند همدلی و درک متقابل، گفت‌وگوی شفاف و عبور از موانع فرهنگی و زبانی می‌شود.<sup>۶۲</sup>

## ۲) مصالحه

به طور معمول، در فرایندهای قانونی، از جمله در روند دادرسی محاکم، تعاملی میان قربانی و مجرم (یا مرتکب) وجود ندارد و در واقع، هر دو طرف سعی در متقاعد کردن دادگاه دارند، نه یکدیگر. اما در فرایند مصالحه، هر یک از طرف‌ها، خواه قربانی باشد یا مرتکب، مقدمتاً طرف مقابل را مورد خطاب قرار می‌دهد، نه به طور مثال مقامات و اعضای کمیسیون حقیقت و مصالحه را، به نحوی که بدون این مؤلفه‌ی ارتباطی، مشکل بتوان فرایند جاری را مصالحه نامید، اگر چه که این مسئله، خود خلاف روال معمول در درک کلی یک مفهوم خواهد بود. این مؤلفه‌ی ارتباطی به عنوان عنصری اساسی، بر ارتباط مؤثر میان طرف‌های منازعه یا بر میزان توانایی آن‌ها در همدلی یا انتقال و درک افکار، نیازها، مصالح و نگرش‌هایشان دلالت دارد. در این میان، ایجاد روایت‌های متعدد نیز می‌تواند توانایی ما را برای ارزیابی گسترده‌تر از مسائل، افزایش داده و کمک کند تا با دیدگاه‌های متفاوت، تعارضات، و تضادها به نحو

<sup>58</sup> - Katherine Wood. "The Arts and Peacebuilding: An Emerging Approach". United States Institute of Peace (USIP), *Summer Insights Newsletter: Arts and Peacebuilding*, (2015): 11.

<sup>59</sup> - A/HRC/37/55 (2018). *op.cit.*, 7.

<sup>60</sup> - Johan Galtung and Dietrich Fischer. *Johan Galtung: Pioneer of Peace Research*. Springer Briefs on Pioneers in Science and Practice. (Germany: Springer, 2013), 179.

<sup>61</sup> - John Paul Lederach, Angela Jill Lederach. *When Blood and Bones Cry Out: Journeys Through the Soundscape of Healing and Reconciliation*. (UK: Oxford University Press, 2010), 101.

<sup>62</sup> - See: Edward G. Wertheim (2024). *Negotiations and Resolving Conflicts: An Overview*. (U.S.A: College of Business Administration. Northeastern University, 2024): 6-9.

همدلانه‌تری برخوردار کنیم.<sup>۶۳</sup> در این شرایط است که به سوی مصالحه، تسامح، تعامل فرهنگی و تغییرپذیری هدایت شده و در تحقق جامعه‌ای پویا و پیشرو، با وجود تنوع و تکثر، سهم خواهیم شد.

## ۲-۱) تقویت همدلی و تفاهم

می‌توان گفت هر عاملی که زمینه‌ی فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی را فراهم آورد، به پیوند و نزدیکی افراد دارای پیشینه‌های مختلف کمک خواهد نمود. زیرا عبور از موانع زبانی، تفاوت‌های فرهنگی، و بسترهای تاریخی، و به تعبیری دیگر، رسیدن به زبانی جهانی یا زبانی که ریشه در اعماق تجربه‌های مشترک انسانی دارد، می‌تواند وحدت‌آفرین باشد. هنر و بیان‌های هنری فضاهایی را عرضه می‌کنند که در آن‌ها درد و رنج، مشاهده و مخابره می‌شوند. برانگیخته‌شدن عواطف افراد، آن‌ها را به دیدن مسائل از منظر یکدیگر و متعاقب آن احساس همدردی و همدلی دعوت می‌کند. منازعه میان گروه‌ها اغلب سازوکارهای ادراکی، شناختی، عاطفی و رفتاری را در هر دو سطح فردی و گروهی درگیر می‌کند که خود تشدیدکننده‌ی ناسازگاری‌های اولیه است و در این میان، همدلی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از منازعات و درگیری‌های میان‌گروهی بکاهد.<sup>۶۴</sup>

از توانایی هنر در ایجاد و تقویت ظرفیت‌های انسانی برای همدلی، مهرورزی و روابط سازنده، به عنوان مقاومتی در برابر تکرار منازعه یا ایجاد تحول در آن استفاده می‌شود. چنین ظرفیتی مستلزم عبور از موانع زبانی، فرهنگی و ایدئولوژیکی و به تعبیر دیگر، وضعیت‌های تثبیت‌شده‌ی ذهنی است. هنرها می‌توانند به شیوه‌هایی مسالمت‌آمیز و در عین حال انتقادی، فضایی را برای بیان اندیشه‌ها و احساسات فراهم نمایند.<sup>۶۵</sup> به همین ترتیب، در آثار مربوط به ارزیابی و بررسی نقش هنر در تحکیم صلح توسط پژوهشگران، اولین و اساسی‌ترین نقش هنر، ایجاد تحول در شرایط منازعه‌ی واقع‌شده یا محتمل‌الوقوع بر شمرده شده است.<sup>۶۶</sup> هنرها می‌توانند نیروهای محرکه و داینامیک‌ها را در منازعات بین فردی، ملی و جهانی تغییر دهند و از آن‌جایی که تحکیم صلح به ابزارهایی با پیچیدگی، گوناگونی و ظرافت روح انسان نیاز دارد، هنر به عنوان هم‌پیمانی شایسته ظاهر می‌شود.<sup>۶۷</sup>

تحول منازعه ناظر بر تغییر سازنده در روابط، گرایش‌ها، رفتارها و مباحث در محیط متمایل به خشونت و درگیری است. بر اساس همین رهیافت، سعی می‌شود تا در رویکردهای تحکیم صلح، ضمن توجه به ریشه‌های اختلاف و تعارض، متناسب با شرایط بومی و فرهنگی هر جامعه‌ای، اقدام مقتضی صورت بگیرد.<sup>۶۸</sup> یکی از اهداف اساسی عدالت انتقالی نیز، تقویت همدلی و تفاهم میان گروه‌های مختلف متأثر از درگیری یا سرکوب ذکر شده است. همدلی فراگیر در جوامع در حال گذار از منازعه به صلح می‌تواند منبع تحول در منازعه باشد.<sup>۶۹</sup>

<sup>63</sup> - April Hyoeun Bang. "The Restorative and Transformative Power of the Arts in Conflict Resolution". *Journal of Transformative Education*. Columbia University. Vol. 14: N. 4 (2016): 357-358.

<sup>64</sup> - Bang, April Hyoeun. *op.cit.*, 361.

<sup>65</sup> - Ketty Anyeko and Tamara Shaya Hoffmann. Storytelling and Peacebuilding: Lessons from Northern Uganda. In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell et al (eds.), Rethinking Peace and Conflict studies, (Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020), 243-246.

<sup>66</sup> - آلن دو باتن و جان آرمسترانگ، ترجمه: گلی امامی. هنر چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند (تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۲۰۱۳/۱۳۹۵)، ۷۳-۷۲.

<sup>67</sup> - Lisa Schirch. *Civilian Peacekeeping, Preventing Violence and Making Space for Democracy*. (Sweden: Life & Peace Institute, 2006), 11.

<sup>68</sup> - پوریا عسگری و یلدا خسروی، «ضرورت‌ها و بایسته‌های صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل». *فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲۲، (۱۳۹۵)، ۲۴۷.

<sup>69</sup> - Sandra Penic et al. "Beyond Personal Empathy: Perceiving Inclusive Shared Predicts Support for Transitional Justice". *Affective Science*, N. 2 (2021): 402-403.

تغییر و تحول پسمنازعه در واقع تغییر بنیادین سیاسی- اجتماعی شرایط جنگی است. از این رو، زمانی که هنرها به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر فرایند گسترده‌تر حل و فصل منازعه و یا در قالب رسانه‌ای برای برقراری ارتباط به کار روند، می‌توانند به نحوی مؤثر با میراث احساسی منازعه سروکار داشته و به طرف‌های متخاصم اجازه دهند تا احساسات و دیدگاه‌های خود را به روش‌هایی غیر تهدیدآمیز بیان کنند.<sup>۷۰</sup>

هنرها از طریق جذابیت‌های زیبایی‌شناختی و طنین‌های احساسی خود، پتانسیل ایجاد پیوندهای معنادار، و تقویت حس تعلق و به هم پیوستگی در جوامع را دارند. ابتکار عمل‌های هنری این امکان را فراهم می‌کنند تا خود را به جای دیگران بگذاریم و به واسطه‌ی همین همذات‌پنداری، حس همدلی را تقویت می‌کنند. در این صورت قادر خواهیم بود تا از دریچه‌های مختلفی نظاره‌گر دنیا باشیم یا به درک تجربیاتی بسیار متفاوت‌تر از تجربیات پیشینمان نائل شویم.<sup>۷۱</sup>

در جریان گفت‌وگو‌هایی در شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، ذیل عنوان «نقش جوانان در مقابله با افراطی‌گری خشونت‌آمیز و ترویج صلح» بیان شد که در تقابل با روایات افراطی و برای تصور زندگی معنادار، ضروری است که جوانان به شیوه‌هایی خاص از جمله ابتکار عمل‌های خلاقانه‌ی هنری محلی متوسل شوند. ورود هنرمندان در این گفت‌وگوها و مشارکت آن‌ها با دانشمندان علوم اعصاب در مطالعه روی فرایندهای شناختی و عاطفی مغز انسان در رابطه با هنر و نقش آن در صلح، گام مؤثر دیگری بود که در این کنفرانس برداشته شد.<sup>۷۲</sup>

فعالیت‌های هنری نه تنها از طریق درگیر کردن احساسات و تخیل بلکه از طریق شیوه‌ای که در آن فرایندهای هنری شکل می‌گیرند، سبب برانگیختن همدلی می‌شوند. فعالیت‌های هماهنگ و هم‌زمان یکی از شیوه‌های اصلی ایجاد هنر هستند که از آن‌ها به عنوان رفتارهای هم‌تا از طریق حرکات هماهنگ یا اقدامات یکسان تعبیر می‌شود. فعالیت هم‌زمان می‌تواند پیوندهای اجتماعی مقوم همکاری ایجاد کند. در این صورت، فعالیت هم‌زمان متمایز از همدلی نیست، بلکه شیوه‌ی دیگری برای تقویت همدلی است و با بهبود بخشیدن به پیوندهای اجتماعی بین اعضاء یک گروه، همکاری را افزایش می‌دهد. پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، اثرات مشارکت و هماهنگی را در اعتماد بین فردی، وابستگی و رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند. طبق این یافته‌ها در صورت فقدان هرگونه مانعی برای پیوستن یا ارتباط نزدیک با سایرین ناهمانند، هماهنگی بین‌فردی از طریق جنبش‌های اجتماعی و دیگر اشکال فعالیت جمعی می‌تواند به عنوان وسیله‌ای برای پشتیبانی از کاهش اختلافات بین گروهی و کاستن از فاصله‌ی اجتماعی عمل کند.<sup>۷۳</sup>

پژوهشگران در مورد مشارکت هنرها در تحریک و تقویت همدلی در روابط بین گروهی اتفاق نظر داشته و قائلند که زمینه و بستر همدلانه با ایجاد محیطی حمایتی، سبب تسهیل «یادگیری تحولی»<sup>۷۴</sup> می‌شود تا به این ترتیب، موضوعات چالش‌برانگیز بدون آسیب‌رساندن به روابط، مورد بررسی و گفت‌وگو قرار بگیرند. در واقع همدلی می‌تواند با تحریک بینش خلاقانه‌ی مورد نیاز برای تفکر و کنش اجتماعی مناسب، موجب تسهیل یادگیری تحولی شود. به طور مثال، موسیقی به عنوان فرمی هنری، سبب ایجاد آن دسته از تجربیات جمعی همدلانه می‌شود که در تغییر و تحول اجتماعی مؤثر بوده و نهایتاً به تغییر فرهنگی می‌انجامد.<sup>۷۵</sup>

<sup>70</sup> - Craig Michell Zelizer (2003). "The Role of Artistic Processes in Peacebuilding in Bosnia-Herzegovina". *Peace and Conflict Studies, Nova Southeastern University*. Vol. 10: N. 2 (2003): 85-86.

<sup>71</sup> - See: Ardhana Riswarie, Irma Damajanti. "Using Art to Foster Empathy: A Literature Review", *Faculty of Art and Design, Institut Teknologi Bandung* (2020): 438-439.

<sup>72</sup> - Cohen, C. E. (2015). *op.cit.*, 3.

<sup>73</sup> - Bang, April Hyoeun. *op.cit.*, 364-365.

<sup>74</sup> - Transformative learning

<sup>75</sup> - *Ibid.*, 361-362.

تحول در طرز تفکر، در بسیاری از موارد برای تغییر رفتار در نوع برخورد مردم با منازعه و در نهایت با یکدیگر، ضروری است. در مورد این که چگونه همدلی از طریق هنر پرورش می‌یابد گفته شده که هنر پتانسیل تبدیل کردن منازعه‌ای ناشی از تنوع و گوناگونی را به ابزاری برای سازنده‌تر شدن یادگیری و نفوذپذیرتر شدن مرزهای روانی و اجتماعی دارد. هنگامی که فرد با استفاده از هنر و خلاقیت خود تغییری را آغاز می‌کند، در واقع فرایند یادگیری تحولی در او آغاز می‌شود.<sup>۷۶</sup>

«جک مزیرو»<sup>۷۷</sup>، جامعه‌شناس برجسته‌ی آمریکایی، یادگیری تحولی را به عنوان فرایندی تعریف می‌کند که بر اساس آن افراد چارچوب‌های مرجع گرفته‌شده‌ی خود (یعنی دیدگاه‌ها، عادات ذهنی<sup>۷۸</sup> و طرز فکرشان) را تغییر می‌دهند تا قوه‌ی تشخیص و افتراق آن‌ها حساس‌تر شده و از نظر عاطفی قادر به تغییر و تفکر باشند، به نحوی که بتوانند استدلالی درست و موجه داشته باشند. «پاتریشیا کراتون»<sup>۷۹</sup> به عنوان یک روان‌شناس تربیتی، اظهار می‌دارد که یادگیری تحولی زمانی صورت می‌گیرد که افراد منتقدانه انتظارات همیشگی خود را مورد بررسی و تجدیدنظر قرار داده و بر مبنای نقطه‌نظر اصلاح‌شده، عمل نمایند. ضمن این که اشتیاق و اراده‌ی هنرمندان برای تحول در روابط می‌تواند به منظور التیام‌بخشیدن به آسیب‌ها و روان‌زخم‌های فردی و جمعی، واسطه‌ای هنری را ارائه نموده و موجب مطالبه‌ی همگانی عدالت شود. بر این اساس، رویکردها و روش‌های تخیلی پیشنهاد می‌شوند که احساسات را درگیر نموده و در روند یادگیری تحولی تأثیر می‌گذارند.<sup>۸۰</sup>

یادگیری تحولی به فرایندی جامع اشاره دارد که از طریق آن افراد دیدگاه‌ها، باورها و ارزش‌های جدیدی را به دست می‌آورند که اساساً درک آن‌ها از خود، دیگران و دنیای اطرافشان را تغییر می‌دهد. این یادگیری فراتر از کسب اطلاعات یا مهارت‌های جدید بوده و مستلزم دگرگونی و تحول عمیق شخصی و فکری است. یادگیری تحولی مفروضات، سوگیری‌ها و ساختارهای اجتماعی موجود را به چالش کشیده و افراد را تشویق می‌کند تا به نحو انتقادی، در مورد تجربیات خود تفکر و تأمل کنند. این فرایند اغلب به واسطه‌ی قرارگرفتن در معرض ایده‌های متنوع، شنیدن صداها یا دیدگاه‌های مختلف و رویارویی با چالش‌های به وجود آمده میان باورهای قدیمی و دانش جدید ایجاد می‌گردد.<sup>۸۱</sup>

یادگیری تحولی فرصت‌هایی را برای رشد شخصی، همدلی و تغییرات اجتماعی باز می‌کند و افراد را قادر می‌سازد تا از نظر اجتماعی آگاه‌تر شده و فعالانه در ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر مشارکت کنند. به این ترتیب به کمک فعالیت‌های هنری، فضاهایی برای گفت‌وگو، همدلی و تفاهم ایجاد شده و به دنبال آن، مقدمات تحول اجتماعی فراهم می‌گردد. در این بین آنچه که امکان ایجاد تفاهم و همدلی را بالا می‌برد، برقراری ارتباطی مؤثر و صادقانه در میان طرفین متخاصم یا ایجاد فرایندی ارتباطی است که در آن طرف‌های منازعه با همکاری و تبادل نظر و بی‌هیچ تعصبی، برای رسیدن به یک توافق یا دستیابی به راه‌حلی مشترک در مسیر حل اختلافات و تعارضات تلاش می‌کنند.

<sup>76</sup> - *Ibid.*, 363.

<sup>77</sup> - Jack Mezirow

<sup>78</sup> - عادات ذهنی (Habits of mind) به معنای داشتن تمایل به رفتار هوشمندانه هنگام مواجهه با مشکلاتی است که راه‌حل‌های فوری ندارند. به کارگیری عادات ذهنی به ترکیبی از بسیاری از مهارت‌ها، تجربیات گذشته و تمایلات احتمالی نیاز دارد که به انتخاب یک عادت در زمانی خاص منجر می‌شود.

(Servet Altan, Jennie Farber Lane, Erskine Sylvester Dottin. "Using Habits of Mind, Intelligent Behaviors, and Educational Theories to Create a Conceptual Framework for Developing Effective Teaching Dispositions". *Journal of Teacher Education*, Vol. 70: N. 46 (2017): 1-3.)

<sup>79</sup> - Patricia Cranton

<sup>80</sup> - *Ibid.*, 357-358.

<sup>81</sup> - Ted Fleming. "Mezirow and the Theory of Transformative Learning". In: *Critical Theory and Transformative Learning*. Victor Wang (Ed.) (USA: Columbia University, 2018), 122-124.

## ۲-۲) ترویج چندصدایی

یکی از شیوه‌هایی که به واسطه‌ی آن می‌توان به تغییرات اجتماعی کمک نمود، به‌چالش کشیدن وضعیت موجود است که خود از طریق زیر سؤال بردن باورها و سیستم‌های تثبیت شده، که اصطلاحاً روایت‌های غالب خوانده می‌شوند، محقق می‌شود. روایت‌های غالب که درک جمعی جامعه را شکل می‌دهند، اغلب بازتابی از دیدگاه‌های صاحبان قدرت بوده، و به نابرابری‌ها و تعصبات موجود دامن می‌زنند. هنر از دیرباز به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان ایده‌ها، احساسات و دیدگاه‌ها شناخته شده و فراتر از جذابیت زیبایی‌شناختی خود، ظرفیت آن را دارد که روایت‌های غالب را به چالش بکشد و راه‌های جدیدی برای درک جهان ارائه دهد.

هنر با تشویق به تأمل و درون‌نگری، افراد و جوامع را تشویق می‌کند تا با تعصبات، عقاید از پیش تعیین شده و پیش‌داوری‌های خود مقابله کنند. از طریق این فرآیند، هنر می‌تواند ضمن از میان برداشتن کلیشه‌ها و موانع، راه را برای تفاهم و مصالحه هموار کند. به این ترتیب هنر به عنوان کاتالیزور یا تسهیل‌گری در مسیر تفکر انتقادی عمل می‌کند و از طریق توانایی خود در پرسشگری، واژگون‌سازی و بازنگاری، مخاطبان را وادار می‌دارد تا باورهای تثبیت‌شده را زیر سؤال ببرند و دیدگاه‌های جایگزین را در نظر بگیرند.<sup>۸۲</sup> ابتکار عمل‌های هنری به واسطه‌ی توانایی خود در زیر سؤال بردن روایت‌های مسلط، بازیابی هویت، و توانمندسازی جوامع متأثر از منازعه می‌توانند به تغییر و تحول اجتماعی پس از منازعه یاری رسانند.

در دوران تحولات اجتماعی یا سیاسی، هنرمندان از آثار خود برای نقد رژیم‌های سرکوبگر، دفاع از حقوق بشر و تقویت صدای جوامع به حاشیه رانده شده استفاده کرده‌اند. از اعتراضات ضد جنگ پیکاسو در «گرنیکا»<sup>۸۳</sup> تا کاوش جنبش فمینیستی در نقش‌های جنسیتی در «میهمانی شام»<sup>۸۴</sup> «جودی شیکاگو»<sup>۸۵</sup>، هنر به عنوان کاتالیزوری برای دگرگونی فرهنگی بوده است. به این ترتیب یکی از نقش‌های اساسی یا یکی از وجوه مشارکت هنر در تحکیم صلح، توانایی بالقوه‌ی آن در گسترش مباحث مربوط به تحکیم صلح است که به چند شیوه‌ی مرتبط با هم صورت می‌گیرد.

هنر به واسطه‌ی فرم‌های کلامی و غیر کلامی خود و با ایجاد روایت‌های متعدد و متنوع می‌تواند فراتر از خط‌مشی‌های تعریف‌شده‌ی تحکیم صلح، مرزهای ارتباطات روزانه را گسترش داده و مستقیماً با احساسات و عواطف در ارتباط باشد؛ احساسات و عواطفی که در برافروختن آتش منازعات یا در خاموش کردن آن نقش مهمی را ایفا می‌کنند.<sup>۸۶</sup>

<sup>82</sup> - See: Daniela Dumitru. "Arts and Humanities as a Source of Critical Thinking Development", INTCESS - 6th International Conference on Education and Social Sciences, (Dubai, U.A.E., 2019), 930-931.

<sup>۸۲</sup> - گرنیکا نام اثری است از نقاش معاصر اسپانیایی، پابلو پیکاسو که بمباران دهکده‌ی گرنیکا در شمال این کشور توسط بمب افکن‌های آلمان نازی در ۲۶ آوریل ۱۹۳۷ و در خلال جنگ داخلی اسپانیا را به تصویر کشیده است. این اثر یکی از معروفترین آثار پیکاسو است و بسیاری از منتقدین، آن را یکی از تأثیرگذارترین آثار ضد جنگ در تاریخ می‌دانند.

(Jacqueline Brittain. "Blood is Thicker in Oil". *e-Vision Journal of Undergraduate Writing*. Vol. 12: N. 1 (2011): 1-2.)

<sup>۸۴</sup> - چیدمان میهمانی شام اثر جودی شیکاگو یکی از نخستین آثار هنری فمینیستی بود که در دنیا بسیار مطرح شد و مورد توجه منتقدان بسیاری قرار گرفت. این اثر عظیم یادبودی برای دستاوردها و کشمکش‌های زنان در طول تاریخ است و ۳۹ جایگاه برای مهمانان شام دارد که هر یک برای زنان اسطوره‌ای و تاریخی آماده شده‌اند. میهمانی شام از میزی سه گوش تشکیل شده است که طول هر طرف آن ۴۸ فوت (حدوداً ۱۵ متر) است و حالت میز شام آماده‌ی پذیرایی از مهمانان را دارد. بر هر زیربشقابی نام یک زن برجسته در تاریخ نوشته شده و به همراه آن تصاویر و نمادهای مربوط به آن فرد، بشقاب، لیوان و دستمال سفره‌ای متناسب قرار دارد. این چیدمان هنری بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۹۹ در نمایشگاه‌های متعددی در کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلستان، آلمان به نمایش گذاشته شد و کتابی نیز به همین نام و درباره‌ی این اثر منتشر شده است.

(Anne Marie Pois. "Review of The Dinner Party: A Symbol of Our Heritage, by J. Chicago". *Frontiers: A Journal of Women Studies*, Vol. 4: N. 2 (1979), 72-74.)

<sup>۸۵</sup> - Judy Chicago

<sup>۸۶</sup> - See: Kumail M. Almusaly. *Painting our conflicts: A Thematic Analysis Study on the role of artists in peacemaking and conflict resolution* (U.S.A: Nova Southeastern University, 2016), 19-26.

در این بین، تئاتر و هنرهای «روایی»<sup>۸۷</sup> و «فیگوراتیو»<sup>۸۸</sup> نقش مهمی را در به بیان درآمدن روایات ناشنیده و صدابخشیدن به بی‌صداها و نیز در توانمندسازی افراد برای رسیدن به روایت‌هایی مشترک از ظلم و امید ایفا می‌کنند.<sup>۸۹</sup> چنان‌چه برخی از پژوهشگران، هدف اصلی تئاتر را ارائه‌ی روایت‌ها و دیدگاه‌های پیچیده و متعدد دانسته‌اند، بی‌آن که نیاز به اجماع باشد. تئاتر قادر خواهد بود تا فضایی را ایجاد کند که صداها را متکثر شنیده شوند، امکان گفت‌وگوی مداوم درباره‌ی ناهمگونی‌ها، از جمله درباره‌ی آینده‌ای متفاوت میسر گردد و سرانجام به مدد مرز مبهم میان امر واقعی و امر تخیلی، مجوز عدول از الگوی خطی روایتگری، صادر شود. به این ترتیب، در کنار متن دراماتیک یا به عنوان جایگزین آن، از ظرفیت و تنوعی که در ژست‌ها، نشانه‌ها، حرکات و زبان بدن وجود دارد، بهره گرفته می‌شود. حتی در صورتی که درک دقیقی از حقیقت وجود ندارد، تکنیک‌های ایجاد شده یا توسعه‌یافته توسط تئاتر، می‌توانند به کمک کمیسیون‌های حقیقت آمده و در رفع ابهامات و مسائل باقی‌مانده مشارکت داشته باشند.<sup>۹۰</sup>

به همین ترتیب، سایر فرم‌های هنری نیز، افراد و جوامع اقلیت یا به حاشیه رانده شده را قادر می‌سازند تا روایت‌ها و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. هنر با روشن کردن مبارزات، امیدها و رویاهای کسانی که تحت تأثیر منازعه قرار گرفته‌اند، به آن‌ها قدرت بخشیده و حسی از عاملیت و به رسمیت شناخته شدن را نیز در این گروه‌ها بیدار می‌کند. این نحو از شمولیت و تقویت صداها به حاشیه رانده شده گامی مهم در جهت حل منازعات و تحول جوامع به شمار می‌رود. بنابراین هنر را می‌توان به عنوان نیرویی محل، ستیزه‌جو و حتی تهدیدآمیز نسبت به ساختارهای مستقر قدرت در نظر گرفت؛ نیرویی که به بازیابی هویت و انسانیت مخدوش شده کمک نموده و مانع ایجاد یا القاء جدایی و تفرقه خواهد شد.

### نتیجه:

در زمانه‌ای که به نظر می‌رسد قطب‌بندی، اختلاف و دسته‌بندی به عنوان گفتمان عمومی حاکم به شمار می‌روند، هنر به عنوان کاتالیزور و تسهیلگری برای بیان حقیقت، ترویج همدلی، تقویت التیام و به چالش کشیدن معافیت از مجازات، به فرآیندهای مصالحه، تحول اجتماعی و صلح پایدار کمک می‌کند. به این ترتیب، تأثیر هنر بر عدالت انتقالی گسترده و چندوجهی است. از همین جهت شایسته است که دولت‌ها، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی و بازیگران بین‌المللی درگیر در تلاش‌های عدالت انتقالی، قدرت هنر را در استراتژی‌ها و سیاست‌های خود به رسمیت شناخته و از آن استفاده کنند. هنرمندان با ادغام هنرها در فرآیندهای عدالت انتقالی، و بهره‌گیری از پتانسیل تحول‌آفرین آن‌ها، می‌توانند ضمن رسیدگی به بی‌عدالتی‌ها، موجب تقویت جنبش‌های اجتماعی، همدلی و کنش جمعی شوند. بیان هنری می‌تواند عامل تحریک گفتمان عمومی و تشویق تفکر انتقادی شده و ضمن برافروختن احساس مسئولیت جمعی و توانمندسازی مردم برای تصور آینده‌ای هماهنگ‌تر، به بازیابی هویت‌های فردی و جمعی یاری رساند. هنرها توانایی منحصر به فردی را در برانگیختن اندیشه، به‌چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی و القاء تغییرات اجتماعی خواهند داشت.

<sup>87</sup> - Narrative

<sup>88</sup> - هنر فیگوراتیو (figurative) به آن دسته از هنرهای تجسمی، غالباً نقاشی و پیکرتراشی (مجسمه‌سازی)، اطلاق می‌شود که در آن نمودی از دنیای واقعی وجود داشته باشد. این اصطلاح عموماً در مقابل هنر انتزاعی (مجرد یا آبستره که از هرگونه تقلید از طبیعت یا شبیه‌سازی آن به مفهوم مرسوم در هنر اروپایی رویگردان است) به کار می‌رود.

(<https://www.tate.org.uk/art/art-terms/f/figurative-art>. Retrieved 18 August 2023.)

<sup>89</sup> - Hal Culbertson. "Peacebuilding and the Performing Arts through the Collaborative Lens". In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell et al (eds.). Rethinking Peace and Conflict studies. (Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020), 392.

<sup>90</sup> - Laurence J. Kirmayer. "The refugee's predicament". *Evolution Psychiatrique*, Vol. 67: N. 4 (2002): 736.

در بسیاری از مناطق درگیر در منازعه و سرکوب خشونت‌آمیز، هنرمندان و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و محلی، به طور مثال از طریق سازماندهی تئاتر و نمایش‌هایی در مناطق جنگ‌زده، که ریشه در سنت‌های جوامع محلی دارند، و یا به واسطه‌ی سمفونی‌های بین‌اقوامی، در حال هدایت فرایندهای هنرمحور تحکیم صلح هستند. حمایت از چنین فعالیت‌هایی می‌تواند در رهایی از وحشت جنگ، به افراد و گروه‌ها یاری رسانده و موجب تسهیل تعاملات میان‌گروهی و التیام بیشتر شود. بخش اعظم کار به دلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و اثربخشی سیاسی-اجتماعی این آثار، تحسین برانگیز و قابل‌توجه است، اما در کل کیفیت‌های متفاوتی وجود دارد و چنان‌چه بیان شد در برخی موارد حتی منجر به تشدید خشونت می‌شود. به این ترتیب انتظار می‌رود علی‌رغم موارد مثبت متعددی که در باب مشارکت هنر شناسایی شده یا همچنان در حال شناسایی‌اند، تئوری تحکیم صلح و رویکردهای عملیاتی آن با چالش‌های مختلفی مواجه باشند. بر همین اساس تمایز قائل‌شدن بین هدف هنر و اثر احتمالی آن همواره می‌تواند به عنوان مسئله‌ای تأمل‌برانگیز مطرح گردد. در واقع چنان‌چه مشاهده شد، هنرها به سوی اهداف مثبت یا منفی صرف، گرایش ندارند و چه‌بسا اهداف پیش‌بینی‌شده‌ی آغازین، در تباین با نتیجه‌ی حاصل‌شده باشند. لذا شایسته است به منظور بهره‌وری مناسب از قدرت تحولی هنر، ضمن اشاره به پیچیدگی‌های اخلاقی و چالش‌های پیش‌روی فعالان حوزه‌ی صلح و هنر، نتایج پیش‌بینی‌نشده‌ی این فعالیت‌ها در موقعیت‌های منازعه و پسامنازه، برشمرده شده و عوامل مؤثر در پیمایش نقش هنر در تحکیم صلح به طور عام و عدالت انتقالی به طور خاص مورد توجه قرار بگیرند. امید می‌رود مقاله‌ی حاضر گامی هرچند کوچک در راستای تحقق چشم‌انداز مذکور برداشته باشد.

## منابع فارسی:

- دوباتن، آلن، جان آرمسترانگ، ترجمه‌ی گلی امامی. هنر چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر ۱۳/۱۳۹۵.
- عسگری، پوریا و یلدا خسروی (۱۳۹۵). «ضرورت‌ها و بایسته‌های صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل». فصلنامه‌ی پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۲۲، ص ۲۶۶-۲۳۷.
- میرشکاری، جواد [ویراستار]. فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان. دفتر دوازدهم. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۷.

### References:

#### Books

- Almusaly, Kumail M. *Painting our conflicts: A Thematic Analysis Study on the role of artists in peacemaking and conflict resolution*. Department of Conflict Resolution Studies. Thesis and Dissertation. Nova Southeastern University. U.S.A., 2016.
- Boal, Augusto. *Theatre of the oppressed*. First Ed. U.S.A: Theatre Communications Group, 1985.
- Borisenko, Laurel G. *Arts-Based Peacebuilding: Function of Theatre in Uganda, Kenya, and Zimbabwe*. First Ed. Nederland: University of Amsterdam, 2016.
- Cohen, Cynthia E., Roberto Gutierrez Varea, and Polly O. Walker (eds.) (2011). *Acting Together I: Performance and the Creative Transformation of Conflict: Resistance and Reconciliation in Regions of Violence*. USA: NYU Press, 2011.
- Cohen, Cynthia E., Roberto Gutierrez Varea, and Polly O. Walker (eds.) (2011). *Acting Together II: Performance and the Creative Transformation of Conflict: Building Just and Inclusive Communities*. USA: NYU Press, 2011.
- Erven, Eugene Van. (2001). *Community Theatre: Global Perspectives*. First Ed. UK: Routledge, 2001.
- Galtung, Johan and Dietrich Fischer. *Johan Galtung: Pioneer of Peace Research*. Springer Briefs on Pioneers in Science and Practice. First Ed. Germany: Springer, 2013.
- Howie, Paula, Sangeeta Parsand, Jennie Kristel (eds.). *Using Art Therapy with Diverse Populations: Crossing Cultures and Abilities*. First Ed. UK: Jessica Kingsley Publishers, 2013.
- Lederach, John Paul. (2010). *The Moral Imagination: The Art and Soul of Building Peace*. First Ed. UK: Oxford University Press, 2010.
- Lederach, John Paul and Angela Jill Lederach. *When Blood and Bones Cry Out: Journeys Through the Soundscape of Healing and Reconciliation*. First Ed. UK: Oxford University Press, 2010.
- Nordquist, Kjell-Ake. *The Crossroads of Human Rights and Peace-Building, An Ongoing Debate*. Research Program on Human Rights and Peace-Building. First Ed. Sweden: Stockholm School of Theology, 2008.
- Prendergast, Monica and Juliana Saxton (eds.). *Applied Theatre, International Case Studies and Challenges for Practice*. First Ed. UK: Intellect, 2009.
- Schirch, Lisa. *Civilian Peacekeeping, Preventing Violence and Making Space for Democracy*. First Ed. Sweden: Life & Peace Institute, 2006.
- Wertheim Edward G. *Negotiations and Resolving Conflicts: An Overview*. U.S.A: College of Business Administration. Northeastern University, 2024.

## Articles

- Altan, Servet, Jennie Farber Lane, Erskine Sylvester Dottin. "Using Habits of Mind, Intelligent Behaviors, and Educational Theories to Create a Conceptual Framework for Developing Effective Teaching Dispositions". *Journal of Teacher Education*, Vol. 70: N. 46 (2017).
- Anyeko, Ketty and Tamara Shaya Hoffmann. "Storytelling and Peacebuilding: Lessons from Northern Uganda". In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell, Giselle Vincett, Theodora Hawksley, Hal Culbertson (eds.). Rethinking Peace and Conflict studies. First Ed. Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020: 235-251.
- Bang, April Hyoeun. "The Restorative and Transformative Power of the Arts in Conflict Resolution". *Journal of Transformative Education. Columbia University*. Vol. 14: N. 4 (2016): 355-376. <https://doi.org/10.1177/1541344616655886>
- Bernardi, Claudia. "The Disappeared Are Appearing: Murals that Recover Communal Memory". *International Journal of Transitional Justice*. Vol. 14: N. 1 (2019): 193–208. <https://doi.org/10.1093/ijtj/ijz028>

- Brittain, Jacqueline. "Blood is Thicker in Oil". *e-Vision Journal of Undergraduate Writing*. Vol. 12: N. 1 (2011): 1-8. <https://commons.lib.jmu.edu/evision/vol12/iss1/1>
- Burbridge, Paul and Geoffrey Stevenson. "Peacebuilding and the Theatre Arts". In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell, Giselle Vincett, Theodora Hawksley, Hal Culbertson (eds.). Rethinking Peace and Conflict studies. First Ed. Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020: 375-394.
- Choudhari, Sonali G., Apoorra Shukla, Abhay M. Gaidhane, Zahiruddin Quazi Syed. "Role of Art Therapy in the Promotion of Mental Health: A Critical Review". Alexander Muacevic and John R. Adler (eds.). *Cureus*, Vol. 14: N. 8 (2022). <https://doi.org/10.7759/cureus.28026>
- Cohen, Cynthia E. "Arts and Building Peace: The Basics and Envisioning the Future". *United States Institute of Peace (USIP), Summer 2015 Insights Newsletter: Arts and Peacebuilding*.
- Culbertson, Hal. "Peacebuilding and the Performing Arts through the Collaborative Lens". In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell, Giselle Vincett, Theodora Hawksley, Hal Culbertson (eds.). Rethinking Peace and Conflict studies. First Ed. Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020: 357-374.
- Destrooper, Tine. "Performative Justice? The Role of Theatre and Performance in Facilitating Transitional Justice". *South African Theatre Journal*, Vol. 32: N. 3 (2019): 199-214. <https://doi.org/10.1080/10137548.2018.1556115>
- Fleming, Ted. "Mezirow and the Theory of Transformative Learning". In *Critical Theory and Transformative Learning*. Wang, V. (ed.). Columbia University, (2018), 120-136. <http://dx.doi.org/10.4018/978-1-5225-6086-9>
- Ginty, Roger Mac. "The Local Turn in Peace Building: a critical agenda for peace". *Third World Quarterly*, Vol: 34: N. 5 (2013).
- Gready, Paul A. and Simon Robins. "From Transitional to Transformative Justice". *The International journal of Transitional Justice*, Vol. 8 (2014): 339-361. <https://doi.org/10.1093/ijtj/iju013>
- Hawksley, Theodora and Jolyon Mitchell. "Introduction". In *Peacebuilding and the Arts*. Jolyon Mitchell, Giselle Vincett, Theodora Hawksley, Hal Culbertson (eds.). Rethinking Peace and Conflict studies. First Ed. Switzerland: Palgrave Macmillan, 2020: 1-31.
- Kirmayer, Laurence J. "The refugee's predicament". *Evolution Psychiatrique*, Vol. 67: N. 4 (2002): 724-742. [http://dx.doi.org/10.1016/S0014-3855\(02\)00166-4](http://dx.doi.org/10.1016/S0014-3855(02)00166-4)
- Manda-Taylor, Lucinda. "Africa's healing wisdom: spiritual and ethical values of traditional. African healthcare practices". In *Persons and community: African Ethics in a Global Culture*. Ron Nicolson (Ed.). First Ed. South Africa: University of KwaZulu-Natal Press, 2008: 125-139.
- Penic, Sandra, Daniel Dukes, Guy Elcherth, Sumedha Jayakody, David Sander. "Beyond Personal Empathy: Perceiving Inclusive Shared Predicts Support for Transitional Justice". *Affective Science*, N. 2 (2021): 402-413. <https://doi.org/10.1007/s42761-021-00086-2>
- Pois, Anne Marie. "Review of The Dinner Party: A Symbol of Our Heritage, by J. Chicago, Frontiers". *A Journal of Women Studies*. Vol. 4: N. 2 (1979): 72-74. <https://www.jstor.org/stable/4366800>
- Riswarie, Ardhana., and Irma Damajanti. "Using Art to Foster Empathy: A Literature Review". *International Conference on Aesthetics and the Sciences of Art*. (2020). <http://dx.doi.org/10.51555/338653>
- Shefik, Sherin. "Reimagining Transitional Justice through Participatory Art". *International Journal of Transitional Justice*, Vol. 12: N. 2 (2018): 314-333. <https://doi.org/10.1093/ijtj/ijy011>
- Zelizer, Craig Michell (2003). "The Role of Artistic Processes in Peacebuilding in Bosnia-Herzegovina". *Peace and Conflict Studies, Nova Southeastern University*. Vol. 10: N. 2 (2003).

## Reports and Conferences

- Dumitru, Daniela. "Arts and Humanities as a Source of Critical Thinking Development", INTCESS - 6th International Conference on Education and Social Sciences, (Dubai, U.A.E., 2019).

- "National Profiles". The Association of Religion Data Archives (ARDA). <https://www.thearda.com>

- United Nations General Assembly. Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights on her mission to Serbia and Kosovo (2018) (A/HRC/37/55), 7-17.

- Wood, Katherine. "The Arts and Peacebuilding: An Emerging Approach". United States Institute of Peace (USIP), *Summer Insights Newsletter: Arts and Peacebuilding*, (2015). [https://www.usip.org/sites/default/files/Insights\\_Summer-2015-Arts-Peacebuilding.pdf](https://www.usip.org/sites/default/files/Insights_Summer-2015-Arts-Peacebuilding.pdf)

## **Abstract**

Existing research on peacebuilding in general and transitional justice in particular has focused mainly on political negotiations, security arrangements and development interventions. While these dimensions are undoubtedly important, they often neglect the emotional and psychological aspects that underlie many conflicts. Transitional justice, in turn, refers to the set of interventions that are carried out in societies in transition from conflict or repression to peace, democracy and reconciliation. These interventions aim to address the legacy of human rights violations, tell the truth, promote accountability and foster healing among affected communities. The fundamental question is how, in addition to legal and political mechanisms in transitional situations, this can be achieved. In response to this question, this article will examine the multifaceted role of artistic and cultural initiatives in establishing sustainable peace in post-conflict societies, examining their theoretical foundations and practical applications. It will examine the transformative potential of art as a central element in fostering empathy and healing psychological wounds.

**Keywords: Art, Peacebuilding, Transitional justice, Conflict, Reconciliation**